**انواع انتظار**

فرج به معناى گشایش است؛ گشایشى كه امید امیدواران است و به یقین، تحقق‎پذیر است و ناامیدى در آن راه ندارد، و ممكن است كه طول بكشد. و طول كشیدن تحقق مطلوب، از لوازم امیدهاى بزرگ است . امیدهاى كوچك به زودى تحقق‎پذیرند و امید، هر چه بزرگتر باشد، تحقق دیرتر و دراز مدت‎ترى دارد.

به خصوص اگر بزرگترین امیدها باشد كه مقصود از فرج است .و آن گشایش براى همه خلق و سیادت عدل و داد براى همیشه، در جهان است .

انتظار فرج، مشتمل بر یقین به تحقق مقصود است كه غم را مى‎زداید و سرور مى‎زاید. مقصود از انتظار، نشستن و خوابیدن نیست، بلكه داراى وظیفه‎اى است كه در تسریع ظهور حضرت مهدى (علیه‎السلام) دخالت دارد.

چنانچه مقصود، انتظار شخصى نیست، بلكه وظیفه‎اى است اجتماعى؛ چون انجام مقاصد اجتماعى، قدم‎هاى اجتماعى لازم دارد.

مقصود از انتظار، آمادگى است و آن دو مرتبه دارد:

**نخستین مرتبه آن،** انتظار روحى است و خوشدل بودن براى تحقق امید در آینده، و آن عبارت است از آمادگى براى قبول دعوت و زدودن مقاومت روحى براى رسیدن كسى كه انتظار آمدنش هست .

**دومین مرتبه آن،** انتظار عملى است كه اضافه بر انتظار روحى است .

انتظار، عملى مانند آمادگى براى آمدن مهمان و پذیرایى از او، كه غذا بایستى آماده باشد و با مقام مهمان و شخصیت او تناسب داشته باشد. محل نشستن او تمیز و آماده، خوابگاه و استراحتگاهش مرتب باشد.

كشاورز، وقتى انتظار باران را دارد كه چیزی كشت كرده باشد، بازرگان، وقتى انتظار سود دارد كه كالاى خود را آماده كرده و در معرض فروش گذارده باشد، و این انتظار كامل خواهد بود.

هر دو مرتبه انتظار بایستی براى ظهور حضرت مهدى (علیه‎السلام) فراهم باشد تا فرج همگانى تحقق‎پذیر شود.

منتظران نیز به دو گونه‎اند: منتظران مرحله نخست كه بسیارى از منتظران از این قبیل هستند. اینان، كسانى هستند كه از شدت ظلم و جور به تنگ آمده و آه مى‎كشند و آرزومند منجى و رسیدن وى هستند، وى قدمى برنمى‎دارد. این انتظار، چندان تاثیرى در تسریع قیام حضرت مهدى ندارد. آنچه كه در تسریع قیام حضرت مهدى مؤثر است، انتظار در مرحله دوم است؛ هر چه شماره منتظران این گروه افزوده مى‎شود، ظهور آن حضرت نزدیكتر مى‎شود و موفقیت در دعوت را شدیدتر مى‎سازد.

نكته حساسى كه انتظار بر آن تكیه دارد و شاید از نظرها پوشیده باشد، آن است همان طور كه حكومت حضرت مهدى(علیه‎السلام) ریشه‎كن كننده ظلم و جور و بر پا كننده عدل مجسم است و تهى از قلدرى و قساوت مى‎باشد، پیدایش این مقصود نیز، بایستى چنین باشد. از ظلم و جور دور، از قلدرى و قساوت بر كنار، از دروغگویى و ریاكارى خالى باشد.

چون قداست هدف، مبرر وسیله گناه نمى‎شود. گناه، جز گناه نمى‎زاید.

با ظلم، نمى‎شود عدل را به پا كرد؛ با عقده و انتقام، نمى‎توان دادگرى كرد.

این حكومت، با كودتاى نظامى به روى كار نخواهد آمد؛ با انقلاب حزبى، زمام امر را به دست نخواهد گرفت .

كودتاى نظامى، خواسته چند افسر است. انقلاب حزبى، از عقده و كینه، ریشه مى‎گیرد و بی‎گناهان بسیارى را در خاك و خون مى‎غلتاند و سران حزب، از آن لذت مى‎برد.

پیدایش حكومت عدل، بایستى به وسیله عدل باشد و آن وقتى است كه مردانى بزرگوار و شریف، در اجتماع بشرى پیدا شوند و آماده فداكارى باشند و براى خود چیزى نخواهند، تا بتوانند مژده حكومت عدل را به خلق بدهند تا خلق به پا خیزد و همگان از آن استقبال كنند.

**پیدایش حكومت عدل، بر دو پایه قرار دارد:**

خواسته خلق، نخستین پایه آن است؛ خواه این خواسته، خودآگاه باشد، خواه، خود ناآگاه .

خواسته خود ناآگاه حكومت عدل، در اكثر افراد موجود است، ولى چندان تاثیرى در تسریع قیام حضرت مهدى (علیه‎السلام) ندارد.

پایه دوم، انتظار است؛ آن هم انتظار عملى . هر گاه شماره این منتظران و آمادگان براى تشكیل این حكومت، به عددى برسد كه شایسته باشند بار این حكومت را بر دوش بگیرند، زمان تشكیل آن فرا مى‎رسد.

آن وقت است كه بسیارى از مردم كوچه به كوچه، كو به كو، شهر به شهر به دنبال حكومت عدل مى‎گردند و بدین مقصد اعلا خواهند رسید.

**«من سره ان یكون من اصحاب القائم، فلینتظر ولیعمل بالورع و محاسن الاخلاق، و هو منتظر؛ كسى كه دوست مى‎دارد از یاران قائم باشد، باید آماده باشد و در حال آمادگى، به پارسایى و محاسن اخلاق، عمل كند.»**

این راهنمایى، حاوى چند نكته فردى و اجتماعى است :

1. **امر قبلى، كه امید به قیام حضرت قائم داشته باشد و یاس و نومیدى را از خود بزداید.**
2. **دوست داشته باشد كه از یاوران آن حضرت باشد تا در ایجاد عدل جهانى، شركت كند و از این سعادت جاودانى، برخوردار شود.**
3. **داراى ورع باشد و از گناه اجتناب كند.**
4. **از حسن اخلاق برخوردار باشد.**

امید به قیام حضرت قائم، روح و مقوم انتظار فرج است. انتظار، ضد یاس و ناامیدى است و حیاتبخش است و دل را زنده نگه مى‎دارد. برخلاف یاس و ناامیدى كه مرگ آور است . كسى كه یاس و ناامیدى بر او چیره باشد و اجتماعى كه این صفت مذموم بر آن حكومت كند، از زندگى و حیات، بیزار و متنفر مى‎گردد و به سوى مرگ و انتحار، قدم برمى‎دارد.

برخلاف آن كه امید بر او حكومت كند؛ حیات را خوش دارد و نقایص زندگى را برطرف مى‎كند و به سوى آینده قدم برمى‎دارد و روز خود را از روز دگر بهتر مى‎سازد.

از یاران قائم بودن را دوست داشتن، از ایمان به مبداء و معاد ریشه مى‎گیرد و كلید خودسازى مى‎شود، تا آینه گردد و جمال پرى طلعتان، طلب كند. ورع داشتن و پارسا شدن، خودسازى و حیوانیت‎زدایى است و بشریت را تبدیل به انسانیت كردن است .

انسان‎ها، بایستى یاوران حضرت قائم باشند تا بتوانند در ایجاد عدل جهانى شركت كنند؛ دگران لیاقت این وظیفه بزرگ و مقدس را ندارند.

حسن اخلاق، نشانه انسان شدن است و دعوت عملى است به انسان شدن دگران؛ تا از فرد صالح، اجتماع صالح به دست آید و در تسریع قیام حضرت قائم، تاثیر داشته باشد.

در انتظار، امید به آینده محقق الوقوع، موجود است؛ چنین امیدى، همه رنج‎ها و مشقت‎ها را آسان مى‎سازد و انسان، خودش به خودش مژده مى‎دهد.

خردمندان بشر، براى رسیدن به آینده احتمالى، كوشش‎ها مى‎كنند، رنج‎هاى مى‎برند. و رنج‎ها را در كام خود شیرین مى‎دانند. حال اگر آینده، محقق الوقوع باشد، انتظارش روح افزا و دلپذیر خواهد بود. در مثل است كه گنج بدون رنج حاصل نشود و رنج در راه تحصیل گنج قطعى، شیرین است .

**تلخ و شیرین**

انتظار، گاه تلخ است و گاه شیرین .

انتظار تلخ، وقتى است كه آدم در جاى خود بنشیند و تكان نخورد، چشم به در خانه بدوزد تا مطلوبش بیاید. در این انتظار، روزش، ماه به نظر مى‎آید و ماهش، سال و روزگارش تلخ و انتظارش تلخ .

انتظار شیرین آن است كه انسان از جا برخیزد و به كار پردازد، زمینه حصول مقصود را آماده سازد و بداند كه هر چه آمادگى بیشتر شود، مقصود، زودتر حاصل مى‎شود.

از هر آمادگى كه فارغ شد، لذتى برایش پیدا مى‎شود و گام دگرى در راه آمادگى برمى‎دارد و در دل، با مطلوب خود راز و

نیازى مى‎كند.

انتظار ظهور حضرت مهدى(علیه‎السلام) از این قبیل است. كسى كه در این انتظار به سر مى‎برد. به حضرتش عشق مى‎ورزد. روز به روز آمادگى خود را بیشتر مى‎كند و از حضرتش كمك مى‎خواهد كه هر چه بیشتر بتواند خود را آماده كند و هر آمادگى براى او مژده موفقیت و نوید حصول مقصود خواهد بود.

1- غیبت نعمانى، چاپ مكتبة الصدوق، ص 200 .

برگرفته از کتاب راه مهدى، آیة الله سیدرضا صدر